



طرح بازی ایالات متحده آمریکا پس از برنامه جامع اقدام مشترک

منیر سادات میر نظامی*

اشاره:

سند برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) که در ۱۴ جولای ۲۰۱۵ به امضای ایران و ۵+۱ رسید، تعهدات و وظایف بسیاری بر عهده دو طرف گذارد. اجرایی شدن این تعهدات به گونه‌ای که هیچ یک از طرفین از آن تخطی ننماید، مستلزم برنامه‌ریزی و نظارت بسیار دقیق است. علاوه بر آن، هر یک از دولت‌های ذینفع این سند به‌خصوص ایران و آمریکا در راستای اهداف کلان خود سعی دارند بیشترین نفع را از این برنامه و اجرای آن در سطح منطقه و جهان ببرند. در نتیجه، استراتژی‌های متفاوتی از سوی هر یک برای اجرای برنامه جامع و استفاده از تأثیرات آن در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی طراحی می‌شود.

مقدمه

مارویاما^۶، اکسل هلمن^۷ برای قاعده‌مند ساختن بازی امنیتی و سیاسی ایالات متحده آمریکا پیشنهاد نموده که شامل بررسی تأثیرات این توافق و بر مبنای آن ارائه استراتژی شش محوری است. هر یک از محورهای این استراتژی شامل دستورالعمل‌های متعدد و متنوع است که اجرایشان برای تحقق محورها ضروری است.

تأثیرات برنامه جامع اقدام مشترک

ارزیابی نویسنده‌گان طرح بازی ایالات متحده از این توافق بر مبنای تحقق چهار هدف کلیدی آمریکا قرار دارد: جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، افزایش ثبات در خاورمیانه، تقویت رژیم منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، بهبود جایگاه آمریکا در جهان.

به نظر نویسنده‌گان، صرف امضای توافق، آمریکا را به چهار هدف فوق‌نمی‌رساند و موفقیت آن بسیار وابسته

آنچه بلافاصله پس از امضای سند برنامه جامع اقدام مشترک از سوی هر یک از دولت‌های منتفع یا متضرر از این توافق مطرح شد، در وهله اول، بررسی تأثیرات این توافق بر مسائل منطقه‌ای و جهانی و در وهله دوم، تنظیم سیاست خارجی و امنیتی در راستای کنترل، تقویت یا حفاظت از نتایج و اثرات توافق بود. می‌توان ادعا کرد، ایالات متحده آمریکا و ایران دو بازیگر محوری این توافق هستند که سعی دارند شرایط پس از برجام را به نفع خود کنترل نمایند. مرکز امنیت نوین آمریکا^۱ طرحی را توسط شش تن از کارشناسان مسائل امنیتی خود به نام‌های ایان گلدنبرگ^۲، الیزابت رزنبرگ^۳، آونر گولو^۴، نیکولاس ای. هراس^۵، الی

* همکار علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

1. Center for New American Security
2. Ilan Goldenburg
3. Elizabeth Rosenberg
4. Avner Golov
5. Nicholas A. Heras

6. Ellie Maruyama
7. Axel Hellman



به سیاست‌های آمریکا و شرکایش پس از توافق است. به نظر آنها، اگر توافق ۲۰ تا ۲۵ سال به طور مؤثر اجرا شود، می‌تواند به برنامه دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای برای همیشه پایان دهد و در مقابل، اگر اجرای آن با شکست مواجه شود، ایرانی‌ها می‌توانند تا ۱۵ سال یا زودتر به بمب دست یابند. آن‌ها معتقدند از یک سو، این توافق می‌تواند راه‌های جدیدی برای همکاری با ایران معتدل‌تر، بگشاید و به ثبات در خاورمیانه کمک کند و از سوی دیگر، می‌تواند موجب رقابت بیشتر میان ایران، عربستان سعودی و اسرائیل و در نتیجه تثبیت تنش بیشتر در خاورمیانه شود. همچنین این توافق می‌تواند موجب واکنش دولت‌های خاورمیانه در قالب دست‌یابی به توانایی هسته‌ای شود و یا بالعکس، هنجارهای منع تکثیر را در سرتاسر جهان یا در میان دولت‌های خاورمیانه که در پی توانایی مشابه ایران هستند، تقویت نماید. سرانجام، توافق می‌تواند جایگاه ایالات متحده را در رقابت ژئوپلیتیکی گسترده با چین و روسیه بهبود ببخشد یا با گشایش کانال‌های جدید برای ایران، منجر به سود روسیه و چین شود در حالی که آمریکا اگر نگوییم هیچ، سود کمی می‌برد. نویسندگان نتایج احتمالی توافق را در گرو سیاست‌های آمریکا پس از توافق می‌دانند.

طرح بازی برای ایالات متحده - استراتژی شش‌محوری

محور نخست - ایجاد شرایط برای اجرای بلندمدت و مؤثر برجام از طریق برداشتن قدم‌هایی خارج از برجام به صورتی که توافق را کامل نماید. برای تحقق این محور، ایالات متحده باید اقدامات زیر را انجام دهد:

۱. سازوکار بازگشت شدیدتر تحریم‌ها را فراتر از آنچه در برجام آمده، با همکاری شرکای بین‌المللی هم‌فکر ایجاد کند.

۲. قانونی با حمایت و پذیرش بیشتر از سوی کنگره به تصویب رسد که بر تخصیص منابع بیشتر برای اجرای توافق و بازگشت یکجانبه تحریم‌ها در صورت تخطی طرف ایرانی دلالت داشته باشد.

۳. سازوکاری برای تسریع در بازگشت تجارت خصوصی

شفاف و پاسخگو به ایران - در فضای خطر سیاسی و تجاری قابل توجه - فراهم شود. این اقدام رفع مؤثر تحریم‌ها را تضمین و موجب تقویت توافق می‌گردد. ۴. از طریق برنامه‌ریزی مداوم و اعلام عمومی، برنامه هسته‌ای ایران همچنان مشمول گزینه حمله نظامی شود. این اقدام روشن می‌سازد که در صورت رفتن ایران به سمت سلاح هسته‌ای، این گزینه در دسترس است. ۵. ایجاد کمیسیونی در کنگره برای رصد توافق و اطمینان از نظارت و حمایت مداوم برای اعمال و اجرای توافق.

۶. تعیین نماینده‌ای از سوی رئیس‌جمهور برای هماهنگی و اجرای توافق.

۷. سرمایه‌گذاری در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای افزایش امکانات و توانایی‌های آن.

محور دوم - مشارکت نزدیک با متحدان عرب برای مقابله با فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده ایران که در تقابل با منافع آمریکا در خاورمیانه است، از جمله حمایت از گروه‌هایی مانند حزب الله. ایالات متحده باید برای تحقق این محور اقدامات زیر را انجام دهد:

۱. مجمعی دفاعی و اطلاعاتی سطح بالا در کابینه ایجاد شود تا به منظور رصد گسترش و اجرای استراتژی مقابله با فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده ایران در خاورمیانه، به صورت منظم با دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس و شرکای عرب ملاقات صورت گیرد.

۲. نیروی عملیات مشترک چندملیتی با شرکای عرب ایجاد تا با تهدیدات غیر متعارف از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و افراط‌گرایان سنی مقابله شود. این اقدام شامل این موارد است: تمرینات مشترک برای مقابله با توانایی‌های غیر متعارف ایران؛ آموزش متحدین در نبرد غیر متعارف و دفاع داخلی - خارجی؛ گسترش یک ستاد اطلاعات مشترک برای مقابله با توانایی‌های نامتقارن ایران.

۳. با گسترش برنامه‌های آموزش و تجهیز نیروهای مخالف میانه‌روی بشار اسد، به منظور تغییر موازنه نبرد زمینی در سوریه با شرکای عرب و شورای همکاری



۳. احیای یادداشت تفاهم اسرائیل - آمریکا در مورد کمک نظامی آمریکا باید در اولویت قرار گیرد، زیرا تاریخ منقضی شدن آن یعنی ۲۰۱۷ نزدیک است.

۴. حمایت از سامانه دفاع موشکی چندلایه اسرائیل از طریق سرمایه‌گذاری مداوم و بیشتر در سیستم‌های گنبد آهنی، آرو ۳ و فلاخن داوود، تعمیق و تقویت شود.

۵. به اسرائیل اطمینان مجدد داده شود که اقدامات جدید برای تقویت دولت‌های خلیج فارس منجر به افت کیفیت ارتش اسرائیل در برابر آنان نمی‌شود.

۶. مقامات بلندمرتبه از طرف آمریکا و اسرائیل برای تقویت روابط و بازسازی اعتماد در سطح سیاسی تعیین شود.

۷. ایجاد گفتگوی سیاسی سطح بالا و افزایش همکاری نظامی و اطلاعاتی با اسرائیل برای مقابله با تهدیدات نیروهای ایران به خصوص حزب الله لبنان.

محور چهارم - همکاری با ایران بر سر موضوعاتی با منافع مشترک هم برای بانبات ساختن خاورمیانه و هم در جهت افزایش امکان وجود ایرانی میانه‌روتر و همراه‌تر. این محور شامل اقدامات زیر است:

۱. حذف سیاست منع تماس وزارت امور خارجه با ایران.

۲. ایجاد کانالی میان رئیس شورای عالی امنیت ملی ایران و مشاور امنیت ملی آمریکا.

۳. همکاری در حوزه امنیت دریایی تعمیق و تقویت شود. این سیاست شامل ایجاد سازوکارهای همکاری در راستای جلوگیری از برخوردهای سهوی میان قایق‌های نیروی دریایی و حمایت از تلاش‌های همکاری جویانه و ضد دزدان دریایی می‌شود.

۴. اراده حکومت ایران برای قبول منافع آمریکا در تهران باید آزمایش شود، اما این کار به دلیل ملاحظات امنیتی پرسنل آمریکایی و چالش‌های سیاسی در ایران، به صورت دقیق و تدریجی صورت گیرد.

۵. همکاری میان کارشناسان آمریکایی و ایرانی در حوزه کمک به زلزله‌زدگان و آسیب‌دیدگان از

خلیج فارس همکاری شود. تغییر موازنه در صحنه نبرد زمینی در بلندمدت شرایط را برای برگزاری نشست‌های سیاسی برای چانه‌زنی پیرامون حل و فصل منازعه فراهم می‌سازد.

۴. عملیات مستقیم علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم به صورت یکجانبه و هم به صورت مشترک با اسرائیل و شرکای عرب، قاعده‌مند شود.

۵. رویکردی تهاجمی‌تر نسبت به ممانعت از حضور قایق‌های مسلح سپاه به خصوص در دریای سرخ و نزدیک بحرین اتخاذ شود.

۶. استراتژی تحریم‌های تهاجمی با همکاری متحدان اروپایی علیه حمایت ایران از تروریسم و قاچاق و فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده سپاه ادامه یابد.

۷. آرایش نیروهای آمریکایی در خاورمیانه حفظ شود. این سیاست می‌تواند با تضمین‌های مناسب به خصوص به شکل افزودن سامانه‌های دفاعی موشک‌های بالستیک ادامه یابد.

۸. به منظور تقویت توانایی‌های دفاعی شرکای عرب در مقابل قدرت بالقوه تهاجمی ایران و در عین حال جلوگیری از ایجاد قدرت بالقوه تهاجمی جدید در منطقه، فروش تسلیحات متعارف به آنها افزایش یابد.

محور سوم - اطمینان دادن مجدد به اسرائیل نسبت به تعهدات آمریکا و تعمیق همکاری با آن برای مقابله با توانایی‌های هسته‌ای و نامتقارن ایران. اقدامات زیر جزئی از اجرای این محور است:

۱. گفت‌وگوهای سطح بالا میان اسرائیل و آمریکا تجدید شود تا پس از برجام استراتژی مشترکی برای جلوگیری از دست‌یابی ایران به سلاح هسته‌ای اتخاذ شود. این گفت‌وگو باید همراه با هماهنگی و متمرکز بر اجرا، کشف فریب و پاسخ به سناریوها باشد.

۲. برای نزدیکی فهم آمریکا و اسرائیل به یکدیگر تلاش شود تا در صورت اطمینان از کشف هر گونه تلاش طرف ایرانی برای دستیابی به سلاح هسته‌ای، طرفین در نحوه پاسخ مشترک و سناریوهای متعدد، با یکدیگر همراه گردند.



بلاای طبیعی تقویت شود.

۶. فرصت‌های مالی جدیدی از سوی آمریکا و وام‌دهندگان بین‌المللی فراهم شود تا بخش خصوصی، کارآفرینان و جامعه مدنی در ایران تقویت گردند.

۷. تعاملات و برنامه‌ها میان مردم ایران و آمریکا در زمینه‌هایی چون ورزش، تجارت و دانشگاه گسترش یابد.

۸. همکاری با ایران در افغانستان، به خصوص در حوزه مبارزه با مواد مخدر تقویت شود.

۹. در کوتاه‌مدت، تعامل اولیه با ایران بر سر داعش، محدود به رفع اختلاف عملیاتی باشد و از تلاش‌های ابتدایی برای همکاری استراتژیک در عراق و سوریه جلوگیری شود.

۱۰. در بلندمدت، کانال‌های دیپلماتیک سطح بالا با ایران بر سر موضوعات هسته‌ای ایجاد شود تا مجمعی برای بحث و میانجی‌گری در مورد موضوعات منطقه‌ای شکل گیرد.

محور پنجم - استفاده از قدرت توافق برای تقویت رژیم منع تکثیر و بازداشتن دولت‌ها از واکنش به توافق در قالب دنبال نمودن برنامه غنی‌سازی داخلی مشابه ایران. چنین هدفی را می‌توان با اقدامات زیر تأمین نمود:

۱. با متعهدماندن به استاندارد طلایی (تضمین‌کننده این که هیچ کس به توانایی خود - بازفراوری و غنی‌سازی دست نیابد) به خصوص در خاورمیانه، می‌توان خطر تبدیل شدن برجام به سابقه‌ای از همکاری هسته‌ای داخلی با محدودیت کم‌تر را کاهش داد.

۲. تعمیق همکاری اطلاعاتی منطقه‌ای با هدف برنامه‌ی هسته‌ای ایران.

۳. از رضایت ایران برای پیوستن به پروتکل الحاقی، به منظور تعامل مجدد با دیگر دولت‌های سرسخت مانند آرژانتین و برزیل و تشویق آن‌ها به پیوستن به این پروتکل استفاده شود.

۴. از مقررات قدرتمند برجام به منظور ایجاد هنجارهای قوی‌تر جهانی استفاده شود تا بتوان بر کل زنجیره ذخایر هسته‌ای به خصوص ذخایر خاطیان قبلی و دولت‌هایی با برنامه‌های هسته‌ای داخلی گسترده‌تر،

نظارت کرد.

۵. سازوکارهای منحصر به فرد و اجبارآمیز در برجام همچون توانایی کمیسیون مشترک برای دسترسی به سایت‌هایی که تحت رژیم‌های بازرسی نیستند یا سازوکارهای بازگشت‌پذیری تحریم‌های سازمان ملل، به عنوان مدل‌هایی مفید برای تقویت توافق‌های آتی منع تکثیر، به کار گرفته شوند.

۶. دادن تضمین‌های امنیتی هسته‌ای مناسب به شرکای شورای همکاری خلیج فارس.

۷. بازدارنده‌های اقتصادی در مقابل شرکای سنی، به منظور جلوگیری از تکثیر سلاح هسته‌ای توسط آنان روشن و شفاف عنوان شود.

محور ششم - مبنا قراردادن توافق برای پیشبرد رهبری ایالات متحده در جهان و اطمینان از این که روابط اقتصادی و استراتژیک جدید ایران، اهداف آمریکا را در منطقه یا روابط آمریکا با رقبای اصلی جهانی‌اش را تضعیف نمی‌کند. بر این اساس، اقدامات زیر لازم است:

۱. اهمیت ایران در دستور کار دوجانبه با چین کاهش یابد. این اقدام موجب محدودشدن نفوذ چین و تمرکز ایالات متحده بر موضوعاتی حیاتی‌تر در آسیا می‌شود.

۲. اهمیت موضوع ایران در دستور کار دوجانبه با روسیه حفظ شود و به عنوان یکی از محدود حوزه‌های همکاری در روابط به شدت پرتنش میان روسیه و آمریکا باقی بماند.

۳. با پیشنهاد انتقال تدریجی قدرت و طرح آن به عنوان راه حلی برای جنگ داخلی سوریه، روسیه را برای پذیرش آن قانع سازند و بدین ترتیب، آن را از رژیم اسد دور نمایند.

۴. همکاری با چین در حوزه امنیت ذخایر انرژی در خاورمیانه و امنیت دریایی در خلیج فارس و آسیا پاسیفیک برای تجارت انرژی.

۵. چین باید با تلاش‌های هدفمند آمریکا در جهت همکاری با ایران برای ثبات افغانستان و مقابله با دولت اسلامی، آشنا شود.



۶. جدا کردن اقتصاد آمریکا از بازار پرنوسان انرژی که به دلیل ورود ذخایر نفتی ایران به بازار جهانی پس از برجام ایجاد شده است.

نتیجه گیری

سه مسئله را می توان در ارتباط با طرح بازی شش محوری مرکز امنیت نوین آمریکا مطرح نمود. نخست، نحوه طراحی این بازی است. دوم، قابلیت اجرایی این طرح و نتایج حاصل از آن است. سوم، طرح بازی ایران در مقابل این طرح چه می تواند باشد؟

نحوه طراحی این بازی بسیار حائز اهمیت است. این طرح بازی در چهار سطح عملیاتی می شود: سطح زوجی ایران- آمریکا (جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته ای)، سطح منطقه ای (ثبات در خاورمیانه)، سطح نهادی (تقویت رژیم منع تکثیر)، سطح جهانی (جایگاه آمریکا در جهان). در این طراحی سعی شده اثرات و تبعات برجام در هر چهار سطح، معطوف به چهار هدف کلیدی و مرتبط با هم بررسی و در نظر گرفته شود. بدین ترتیب، می توانیم طرح بازی پیشنهادی را چندلایه بدانیم. نکته دیگر آن است که تعیین محورهای این طرح بر اساس بازیگران مهم در عرصه تأمین آن چهار هدف کلیدی صورت گرفته که شامل ایران، قدرت های منطقه ای (شورای همکاری خلیج فارس)، اسرائیل، بازیگران جهانی (اتحادیه اروپا، چین و روسیه) و دولت های دارای فعالیت های هسته ای خارج از پروتکل الحاقی می شود. سعی شده تا دستورالعمل های مربوط به هر محور با محور دیگر متناسب و هماهنگ باشد، به گونه ای که یکدیگر را تضعیف نکنند و حتی موجب تقویت هم شوند. در اینجا تلاش شده تا طرحی معطوف به مجموعه اهداف واحد، چندلایه، دارای انسجام میان اجزا و تا حد ممکن دارای تعادل در منطق ترکیب اجزا ارائه شود. در نتیجه از نظر شکلی ما با طرحی حائز اهمیت روبه رو هستیم.

آنچه به نظر مبهم می آید، قابلیت و نتیجه اجرای این طرح بازی است. معماهای بسیاری در این ارتباط می تواند مطرح شود. برای نمونه، چه تضمینی وجود دارد که تقویت

شرکای آمریکا در خلیج فارس در بلندمدت موجب کاهش قدرت نسبی اسرائیل نشود یا چگونه می توان سیاست همکاری-مقابله ایالات متحده در قبال ایران را اجرایی نمود در حالی که ایران به دلیل سوابق تاریخی ایالات متحده می تواند وارد این بازی نشود و گزینه مقابله-مقابله را برگزیند. احتمال شکست محور ایران بسیار زیاد است، زیرا به نظر می رسد در این طرح محور همکاری با ایران از وزنی متناسب با دیگر محورها برخوردار نیست. این مسئله بیشتر به دلیل هدف تعریف شده ثبات در خاورمیانه و تفسیر آن به گونه ای است که اقدامات ایران در منطقه به صورت اقداماتی بی ثبات کننده تفسیر می شود. از این رو، محورهای دیگر احتمال موفقیت بیشتری دارد زیرا درجه هم خوانی و تناسب میان محورهای دیگر بالاتر است.

سرانجام، رعایت این نکته حائز اهمیت است که ایران برای تضمین اجرای برجام، بهره بردن از منافع آن در منطقه و کنترل تبعات ناخواسته آن باید طرحی پیچیده تر از این طرح یا حداقل در سطح این طرح را ارائه دهد. هدف طرح ایران حفظ سیستم بازدارندگی خود در برابر دشمنان منطقه ای و فرامنطقه ای است. هر یک از اجزا و محورها باید به گونه ای تعریف شود که این هدف را تضعیف یا نقض ننماید. چنین طرحی همانند طرح بازی آمریکا دارای بازیگران متعددی است، با این تفاوت که بازیگران مد نظر ایران به جز آمریکا، بازیگران منطقه ای هستند مانند عربستان. در نتیجه، این طرح می تواند از دو لایه عملیاتی زوجی ایران- آمریکا و منطقه تشکیل شود و قدرت نامتقارن ایران نیز به عنوان نقطه قوت، مبنای نگارش دستور کارهای سیاست خارجی و امنیتی قرار گیرد. طرح احتمالی ایران باید همچنین پیچیدگی بازی ها را نیز مد نظر قرار دهد. ایران به دلیل تکیه اش بر قدرت نامتقارن از یک سو، باید در سطح سیاسی-امنیتی طرح بازی را ترسیم کند و از سوی دیگر، باید این بازی را بر مبنای قواعد خاص هر حوزه به سطوح دیگر همچون سطح اقتصادی، فرهنگی- هویتی و حتی فن آوری تعمیم دهد. آنچه در اجرای این طرح کلیدی است و در موفقیت طرح بازی ایالات متحده نیز تعیین کننده است، اجرای هم زمان دستورالعمل ها و استراتژی های تدوین شده است.

